

بحثی در ماهیت حقوق مرور زمان

پدیده «مرور زمان» در حقوق اسلام سابقه ندارد و فقیهان اسلام بر اساس توصیفی که برای «حق» قائل شده‌اند عامل زمان را در آن بی‌تأثیر انگاشته‌اند و آنرا از جهت نفس‌الامری ثابت و پایدار پنداشته‌اند نه لرزان و زوال پذیر. و حق را چنین شناسانده‌اند که آن بخلاف «حکم» با اراده آزاد ذبح‌پذیر است و قابل انتقال است. و حقوقدانان اسلام تئوری مشابهی بنام «اعراض» ابداع کرده‌اند که از گفتگوی فعلی ما بیرون است.

فعلاً نظری نیست که درباره کج و راست بودن اساس تئوری گذر زمان بررسی کنیم. بهر صورت این تئوری در حقوق روم (۱) ریشه دوآئیده و در حقوق و نظامات اروپا تناور شده و از آن راه در حقوق کشورهای با اصطلاح کُرِ حال توسعه نیز سرسبز شده است. و علت وضع آن در حقوق روم اقتضای مصالح عمومی و اجتماعی بوده و آن از اسباب تملك بشمار میرفت (۱).

اگر بخواهیم تحقیق نظری خود را به بررسی عملی پیاده کنیم باید بدانیم که ماهیت حقوقی مرور زمان چیست؟ آیا آن مسقط حق است و یا مملك حق. به عبارت دیگر آیا واضعین این بدیعه حقوقی در عالم فرض و اعتبار نسبت بکسی که مرور زمان

۱ - ر.ک. کتاب مدونه جوستینیان فی الفقه الرومان (de Justinien)

(Imstitute) ترجمه عبدالعزیز فهمی ، قاهره ، دارالکتاب المصری ، ۱۹۴۶ .

ر.ک . همان کتاب ، ص ۳۸۰ .

بمنفع اودر جریان است چگونه پایمردی کرده اند ، آیا مروردهور حقی را که در عهده او است اسقاط میکند و یا آن حق را با او تعلیک مینماید ؟

برای هر يك از دو فرضیه مذکور اثر جداگانه بار است . در فرضیه نخست کسی که مرورد زمان بمنفع اودر جریان بوده هنگامی میتواند از آن استفاده کند که « خواننده دعوی » باشد و در این صورت بر که مرورد زمان راقط در حالت دفاعی « بعنوان ایراد بدعوی » میتوان بر زمین زد ولی در فرضیه دیگر عامل مرورد زمان هم در موقعیت تدافعی بکار آید و هم میتوان در مقام دعوی واستناد از آن بهره گرفت .

ظاهراً در دادگاههای ایران رویه معموله بر فرضیه اول استوار شده است و مرورد زمان راقط از خواننده دعوی بعنوان « ایراد » پذیرفته اند و آنرا مسقط دعوی میدانند نه مثبت آن ، و این کیفیت از توجه به صراحت ماده ۱۹۷ آئین دادرسی مدنی ناشی شده است .

با این بیان در دادگستری ایران کسی نمیتواند باستناد تصرف معتد بیست ساله خود بطرفیت منازع خود اقامه دعوی کند و استقرار و تسجیل مالکیت خود را از دادگاه بخواهد و نیز با این جریان ، اسناد رسمی مثبتی هیچوقت مشمول مرورد زمان نمیشود چه این نوع اسناد قابل اجرا است و کسی که بخواهد بمرورد زمان چنگ زند و در مقام توقیف و ابطال عملیات اجرائی بر آید ، باید دعوائی بیا دارد و در این صورت « خواهان » بشمار میرود و دعوی اوشنیده نمیشود .

اما جادارد که در این اعتبار تشریحی با نظر انعطاف پذیری بنگریم و مفهوم عموم و مطلق آنرا در حقوق دعاوی نیز سر بیان دهیم .

باید دانست که در تفسیر ماده ۷۳۱ آئین دادرسی مدنی که میگوید : « مرورد زمان عبارت از گذشتن مدت است که بموجب قانون پس از انقضای آن مدت دعوی شنیده نمیشود . » بخطرارفته اند ، دعوی از چه کسی پذیرفته نمیشود ؟ از کسی که مرورد زمان بسود اودر جریان است یا از کسی که مرورد زمان بزبان او جاری است ؟

ماده ۷۲۳ همان قانون صریحاً استناد بمرورد زمان را جایز دانسته و مشعر بر اینست : « کسانی که عدم استناد بمرورد زمان موجب ضرر آنها باشد میتوانند وارد دعوی شده بمرورد زمان استناد نمایند » و بلافاصله ماده تالی چنین مقرر میدارد : « اگر دعوی بملکی اقامه شود اشخاصیکه در آن ملک ذینفع هستند یا حقی دارند و مضرر میشوند میتوانند وارد دعوی شده و باستناد مرورد زمان ایراد نمایند هر چند

صاحب ملك ایراد نكرده باشد.

پس در قانون ایران تئوری «مرور زمان» مفهوم تملیکی دارد و با توجه به کلیت وعمومیت ماده ۷۳۷ آئین دادرسی مدنی و فحوای عبارت و قرائن موجود در ماده ۷۳۱ که آنرا ناظر بدعوی کسی مینماید که مرور زمان بضرر او جاری بود، و صراحت مادتهای فوق الاشعار هر يك از افراد واجد صلاحیت کشور میتواند با استناد حصول مرور زمان بطرح دعوی مبادرت نماید و با این نظر مرور زمان بر همه گونه از حقوق حتی حقوق مستند بر سند رسمی نیز جاری است و در مورد شمول مرور زمان بر سند رسمی ماده ۳۴ قانون اعسار نیز گواہ صادق است: «در هر موقع که معسر به تأدیبه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ملزم به تأدیبه آنست، نسبت ببقیه اجرائیه که علیه معسر صادر شده مرور زمان از تاریخ تمکن جاری میشود و مدت آن دهسال است.»

بنابراین از نظر قانونگذار ایران «مرور زمان» دارای جنبه تملیکی است و میتوان در مقام دعوی و دفاع از آن بهره برداری کرد.



موسسه مطالعات و تحقیقات علمی
گروه مطالعات حقوقی و قضایی
موسسه مطالعات و تحقیقات علمی
گروه مطالعات حقوقی و قضایی